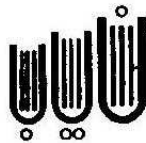


۲۴ اکتبر

24<sup>th</sup> of october

به قلم  
دکتر حمیده اقامیری

www.ketab.ir





|                         |                                                           |
|-------------------------|-----------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | : آقامیری، حمیده سادات، ۱۳۶۳ -                            |
| عنوان و نام پدیدآور     | : ۲۴ اکتبر = ۲۴ of october / به قلم حمیده آقامیری.        |
| مشخصات نشر              | : تهران: نیلاب، ۱۴۰۰.                                     |
| مشخصات ظاهری            | : ۱۳۱ ص.                                                  |
| شابک                    | : ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۸-۳۲-۲                                       |
| وضعیت فهرست نویسی       | : فیبا                                                    |
| موضوع                   | : آقامیری، حمیده سادات، ۱۳۶۳ - -- خطرات                   |
| موضوع                   | : آقامیری، حمیده سادات، ۱۳۶۳ - -- سفرها -- آلمان -- خطرات |
| موضوع                   | : آتش‌نشانی -- پیش‌بینی‌های ایمنی                         |
|                         | : Fire extinction -- Safety measures                      |
|                         | : آتش‌نشانی -- ایران -- پیش‌بینی‌های ایمنی                |
|                         | : Fire extinction -- Iran -- Safety measures              |
| رده‌بندی کنگره          | : ۱۸۸۸CT                                                  |
| رده‌بندی دیویی          | : ۰۵۵/۹۲۰                                                 |
| شماره کتابشناسی ملی     | : ۸۶۸۳۹۴۸                                                 |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | : فیبا                                                    |

ناظر چاپ: کریم افسری

چاپ و صحافی: پارمیدا

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

عنوان: ۲۴ اکتبر

مؤلف: حمیده آقامیری

ناشر: انتشارات نیلاب

آدرس: میدان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، بن بست مرکزی، پلاک ۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۷۴۰۸۷ و ۰۲۱-۶۶۱۷۴۱۲۷



قیمت: ۵۵۰۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

|    |                                                            |
|----|------------------------------------------------------------|
| ۸  | ..... پیشگفتار                                             |
| ۱۱ | ..... بخش اول (قبل از سفر)                                 |
| ۱۲ | ..... آغاز قصه سفر                                         |
| ۱۳ | ..... چرا آلمان؟                                           |
| ۱۵ | ..... اولین نشانه                                          |
| ۲۱ | ..... بخش دوم (زندگی در آلمان)                             |
| ۲۲ | ..... کمی از آلمان                                         |
| ۲۳ | ..... شهر گوتینگن                                          |
| ۲۴ | ..... شروع زندگی                                           |
| ۲۵ | ..... قوانین خاص                                           |
| ۲۶ | ..... ۱- آمبلده در گوتینگن                                 |
| ۲۹ | ..... ۲- بیمه                                              |
| ۳۱ | ..... ۳- ساعت ۸ شب خاموشی                                  |
| ۳۲ | ..... ۴- وقتی حادثه ای رخ داد فقط ۱۱۲                      |
| ۳۵ | ..... ۵- کپسول آتش نشانی                                   |
| ۳۶ | ..... ماه اول کار                                          |
| ۳۷ | ..... ملاقات با استیفان                                    |
| ۳۸ | ..... سبک تحقیق علوم انسانی از ایران تا آلمان              |
| ۳۹ | ..... مقاله پلاسکو                                         |
| ۴۰ | ..... قوانین خاص                                           |
| ۴۲ | ..... ۱- قوانین منحصر به فرد بافت مسکونی در آلمان          |
| ۴۸ | ..... ۲- ایمنی در مراکز درمانی آلمان                       |
| ۴۹ | ..... ۳- مانور رابرت کوخ                                   |
| ۵۱ | ..... ۴- همسران آتش نشانان در آلمان                        |
| ۵۲ | ..... ۵- آتش نشانان داوطلب در آلمان                        |
| ۵۴ | ..... ۶- نکات ایمنی انبار داری در آلمان                    |
| ۵۵ | ..... ۷- کارگاه ایمنی شهروندی در ایستگاه آتش نشانی گوتینگن |
| ۵۸ | ..... ۸- اسپانیا، مادرید، کارگاه ایمنی جاده ای             |

## پیشگفتار

گاهی اوقات اتفاقاتی در زندگی برای انسان رخ می دهد که اگر آنها را به صورت حلقه های یک زنجیر به هم وصل کند به لطف خدا پی می برد. به اینکه چگونه برای او برنامه ریزی کرده و فقط کافی است که قدر این موقعیت را بداند و از چگونگی نحوه برخورد با این برنامه ریزی آگاه باشد.

از دوران کودکی واژه ایمنی برایم آشنا بود نمی خواهم بگویم با این مفهوم بزرگ شدم نه اما همیشه هر کجا که می رفتم به دنبال نشانه هایی از این واژه می گشتم تا بتوانم با شناخت کامل بعد از خدا محافظ اطرافیانم باشم. وقتی که وارد دانشگاه شدم هنوز هم این واژه در کنارم بود اما دیگر چشم بر یافته های تجربی بستم و سعی کردم با آگاهی با این واژه همراه شوم. در تمام ابعاد ایمنی ناشناخته ها برایم از اهمیت خاصی برخوردار بود، اینکه تا به حال ایمنی در چه بخشهایی مغفول مانده. کجاها جایش خالی است و باید به آن توجه کرد و هزاران اما و اگر دیگر. همین شد که وقتی پای رساله دکتری به میان آمد هوش و حواسم رفت سمت عمیق ترین خواسته بشر به نام غذا و در پس آن واژه جهان شمولی به نام امنیت غذایی. تمام هم و غمم شد این نوع امنیت. اینکه چگونه است و ارتباط آن با ایمنی چگونه است. از این رو نشانه های ایمنی در این واژه برایم اصل و هدف تحقیق شد. ساعتها تحقیق و بررسی در دیار مادری خوب بود اما کافی نبود و باید پایم را فراتر از مرزها می گذاشتم. می رفتم در دیاری دور در چهارچوب سفری رسمی به نام فرصت مطالعاتی به سرزمین سرآمد در حوزه ایمنی یعنی آلمان برای کسب نشانه ها تا بتوانم در بهبود شرایط امنیت غذایی کشور با تأکید بر یافته های ایمنی و امنیت نقشی داشته باشم. با هر سختی که بود راهی آلمان شدم اما شروع این نشانه ها از یک ایمیل بود آن هم قبل از سفر از یک استاد آلمانی که بیا در خصوص آتش نشانان و حادثه یلاسکو این کار را بکن و آن کار را بکن. برای من که یک پایم از سر رساله دکتری و واژه امنیت غذایی در محیطهای روستایی و کشاورزی بود و تمام احساساتم در خصوص ریزش یک ساختمان آن هم با از دست رفتن این همه آتش نشان تنها در قاب صفحات اینستاگرام و در لایکهای مجازی خلاصه می شد؛ پذیرش نظرات آتش نشانان آلمانی آن هم در سرزمینی دور کاری بس دشوار و وظیفه ای بس سنگین بود. بر سر مباحث ایمنی زیاد کار می کردم اما نمی دانم چرا یافته های من در حوزه ایمنی با ساختاری به نام آتش نشانی فاصله بسیاری داشت. شاید دلیل اصلی آن نگاه تنوریکال من به

حوزه ایمنی بود و از آنجا که به سبک عملیات با این واژه تجربه نداشتیم از مفهوم آتش نشان آنطور که باید هیچ نمی دانستیم. چند صباحی که از نگارش مقاله پلاسکو گذشت چشم باز کردم و دیدم پلاسکو و آتش نشانی شد تمام زندگی‌ام؛ تنم در دیار غربت لرزید و همان روز بود که فهمیدم باید بیش از پیش به فکر ایمنی سرزمینم باشم و پیام را از نشانه ها فراتر بگذارم و ببینم ابزارهای کنترل یک شرایط ایمن در ایران با تأکید بر آتش نشانی کجاست.

از روز شیرین کنفرانس اوسلو با یک دوست بلژیکی و طرحی برای ایمنی بازار تهران گرفته تا همسفری با همسر یک آتش نشان در مسیر فولدا به پادربورن. از مانوری دوست داشتنی که پای یک دوست آتش نشان مثل ماریلا را به زندگیم باز کرد تا روز بازدید از ایستگاه آتش نشانی گوتینگن که خانم مونیکا فرمانده عملیات این شهر به یاد همکاران ایرانی من را به گرمی در آغوش گرفت. از دوستان آفریقایی چون گریس در حاشیه همایش ایمنی جاده ابر اسپانیا گرفته تا دوستان تیم تحقیقاتیم مثل ملف و نوذا که باید کنارشان می نشستم و چاسده آتش نشان ایرانی را توصیف می کردم. کارگاه جذاب ایمنی محیطی در هامبورگ و در نهایت روز خاص ۲۴ اکتبر که از آن روز تمام نشانه های ایمنی در زندگی برایم هدفمند شد.

ای کاش پلاسکو نمی ریخت اما تقدیر بر این استوار بود تا این پنج ماه نگارش مقاله به پیشنهاد استاد آلمانی من را بر آن دارد تا دیدی متفاوت از نوع زندگی ایمن داشته باشم و سفرنامه خود را بر این مینا شکل دهم. واژه غربی به نام ایمنی و نشانه های آن را از تحقیقات دانشگاهی بیرون بکشم و کورسوی امیدی برای بهبود شرایط ایمنی سرزمینم با چهارچوبی عملگرا و نهادگرا شوم. آن هم در مهد ایمنی از نوع توسعه پایدار در دنیا یعنی آلمان تا بشود اولین سفرنامه بین المللی ایرانی با رویکرد ایمنی. حرکتی که شاید حداقل از سالهای دور و دوران تحصیلات دانشگاهی من شروع شده بود اما با نگارش مقاله پلاسکو هدف دار شد و در ۲۴ اکتبر یعنی روز ارائه این مقاله در دانشگاه کاسل آلمان به اوج خود رسید و در تز دکترا تکمیل شد. بعد از نگارش مقاله پلاسکو برای من هر روز ۲۴ اکتبر است اما آنچه پیش چشمان شماست گاه شماری از خاطرات تلخ و شیرین یک زندگی ایمن در آلمان با چاشنی داستانی از کشف یک استعداد و همچنین توصیف شرایط ایمنی در چندین کشور اروپایی است که به بهانه فعالیت علمی خود به آنها سفر کرده ام. این کتاب سه بخش دارد که از قبل از سفر به آلمان شروع شده اما اتفاقات خاص هم راستا با نگارش مقاله، کشف استعداد من در حوزه ایمنی و نکات ایمنی را در بخش دوم شرح می دهد. در نهایت بخش سوم مربوط به بازگشت به ایران، تأثیرات این مقاله در زندگی فردی و اجتماعی و حواشی من با سازمان آتش نشانی تهران و خدمات ایمنی شهرداری تهران بین سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ است.